

قومیت عرب و هویت ملی در ج.ا.ایران

نورا... قیصری *

مقدمه

از نقطه نظر توسعه، "ملت سازی" مسأله‌ای بسیار مهم است و در فرایند ملت سازی "هویت ملی"، جایگاه خاصی دارد. زمانی می‌توان از هویت ملی صحبت به میان آورد که فرایند ملت سازی - یعنی تشکیل یک ملت که دارای سرزمین معین با مرزهای مشخص، نظام حکومتی خاص خود و برخی دیگر از ویژگی‌هایی که صفت مشخصه و وجه تمایز آن از سایر ملت‌ها است - تحقق یافته باشد. این فرایندی است که در ادبیات مربوط به علوم سیاسی از آن به تشکیل دولت ملی تعبیر شده است. لذا مادامی که شکل‌بندیهای جدید جامعه بشری در

* محقق پژوهشکده مطالعات راهبردی

سیر تحول تاریخی جوامع از شکل‌بندی‌های ابتدایی به پیشرفته، به صورت تدریجی انجام می‌شود. هر مرحله از این تحول، فرایند هویت‌شناسی خاص خود را دارد و امکان اینک، بازمانده‌هایی از هویت‌شناسی یک مرحله، به درون هویت‌شناسی مرحله بعدی راه یابد، وجود دارد. هم‌اکنون دولت‌های ملی، بزرگترین واحد شکل‌بندی اجتماعات انسانی هستند، و کل جمعیت جهان در واحدهایی با جغرافیای سیاسی، دولت و ملت معینی، تقسیم شده‌اند. تشکیل دولت‌های ملی، در برخی از نقاط جهان سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد، درحالی‌که در بسیاری از کشورها - من جمله کشور ایران - تشکیل دولت ملی، سابقه‌ای طولانی ندارد، و از زمان پیدایش دولت ملی، روند هویت‌شناسی آن، همراه با روند ملت‌سازی با موانعی روبرو بوده است. در این مقاله، با ارائه بحثی در باب هویت، هویت ملی و عناصر آن، روند شکل‌گیری هویت ملی، و ارائه مدلی از عناصری که در شکل‌گیری هویت ملی و گرایش نسبت به آن مؤثرند، به سنجش گرایش قومیت عرب خوزستان نسبت به هویت ملی در جمهوری اسلامی، پرداخته شده و شدت گرایش نسبت به مؤلفه‌های اصلی هویت ملی (دولت، سرزمین، ملت) سنجیده می‌شود. در انتها نیز پیشنهادهایی برای جلوگیری از مشکل ارائه می‌شود.

در چارچوب اتحادهای قاره‌ای (همانند اتحادیه اروپا) صورت عملی به خود نگرفته، دولت ملی در روند تکامل تدریجی شکل‌بندی‌های اجتماعی بشر، در نوع خود عالی‌ترین و بزرگترین است.

الف) اصل هویت ملی و اهمیت آن

تشکیل دولت ملی که پدیده‌ای خاص دوران جدید است، به معنی عبور از هویت‌های سنتی، همچون مذهب، قبیله، کاست و ... به هویت جدید ملی است. در این مرحله، به جای اینکه افراد خود را براساس تعلق مذهبی، قبیله‌ای و یا نژادی، شناسایی کنند، براساس تعلق به ملتی خاص، با جغرافیای معین و نظام حکومتی معینی، شناسایی می‌شوند. آنها ایرانی، اردنی، فرانسوی و انگلیسی هستند، تا مسلمان و مسیحی و عرب و آریایی.^(۱) البته این به معنی نفی هویت‌شناسی افراد با انواع دیگر همانند خانواده، محله، شهر و روستا، قبیله، نژاد، قاره، مذهب و ... نیست. مهم این است که از نقطه نظر ملت‌سازی، نوسازی و توسعه، هویت ملی اهمیت اساسی دارد و سایر هویت‌شناسی‌ها مرتبه مادونی نسبت به هویت ملی دارند.

در هویت ملی، سؤال این است که فرد خودش را عضو چه واحد سیاسی‌ای می‌داند و تا چه اندازه احساس یگانگی او با واحد سیاسی واضح و عمیق است. به عبارت دیگر، مسأله این است که افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک جغرافیای سیاسی خاص و نظام حکومتی خاص قرار دارند و مشمول قوانین حاکم بر آن هستند، آیا از لحاظ روانی هم خود را عضو این نظام سیاسی می‌دانند یا خیر. مسأله هویت ملی که تحقق آن در چارچوب دولت‌های ملی جدید امکان‌پذیر شده، دارای جوهی است از جمله می‌توان به رابطه نزدیک آن با حقوق شهروندی و شهروندی ملی^۱ اشاره کرد. "شهروندی" شأنی است که در آن به طور ضمنی بر برابری انسانهایی که عضویت یک دولت ملی را پذیرفته‌اند تأکید شده است. این تساوی و برابری در حقوق شهروندی است، حقوقی که به طور رسمی تمامی اعضای یک ملت سواى تمایزات نژادی، زبانی و قومی دارای آن هستند. اهم این حقوق عبارتند از:

1 National Citizenship

- ۱- برابری در فرصت دست‌یابی به مقامات سیاسی و اداری جامعه
- ۲- برابری در فرصت‌های اساسی مانند تحصیلات، شغل مناسب، امکانات رفاهی
- ۳- تساوی در حقوق و امتیازات قانونی
- ۴- برابری در حقوق مربوط به مشارکت سیاسی و وظایف آن (۲)

از نقطه نظر هویت ملی نکته مهم این است که از لحاظ روانی، اعضای یک ملت، احساس کنند که در دستیابی به این حقوق، موقعیتی برابر با یکدیگر دارند و به آنها ظلم و تبعیض روا نشده است و هر چه یک نظام سیاسی در تأمین این برابری، عملکرد موفق‌تری داشته باشد، هویت ملی در آن کشور بحران کمتری دارد. اما نکته قابل ذکر این است که در فرایند ملت‌سازی، میراث ادبیات ملی، زبان رسمی، مبانی تعلیمات عمومی و مذهب رسمی به عنوان مبنای انسجام ملی مطرح می‌شوند و طبیعی است کسانی که به هر دلیلی نتوانند خود را با این روند هماهنگ سازند، به حد شهروند درجه دوم سقوط کنند؛ یعنی از دستیابی به برخی از حقوق شهروندی همگانی محروم خواهند شد. این محرومیت تبعات چندی دارد و از جمله تا آنجا که به بحث ما مربوط می‌شود به حاشیه‌ای شدن افرادی منجر می‌شود که احساس محرومیت می‌نمایند و این در جای خود، سبب زنده شدن و تقویت هویت‌های مادون ملی، همانند قومیت، نژاد، محله‌گرایی و ... می‌شود. (۳)

به علاوه، منزوی شدن، محرکی برای دست زدن به اعمال سیاسی و از جمله مدعی شدن حق تعیین سرنوشت است و هویت مادون ملی جهت انسجام و شکل دادن به افراد محروم از حقوق شهروندی و جهت دادن به اعمال آنها، در جهت ادعاهایشان نقش اساسی دارد. البته این حادثترین شکل تعارض بین هویت ملی و هویت‌های مادون است که در آن محرومین خواهان بدست گرفتن سرنوشت سیاسی خود در قالب استقلال کامل سیاسی و تشکیل دولت ملی جدید یا خودمختاری در درون واحد سیاسی دولت ملی هستند. با وجود این، اشکال دیگری از تعارض بین هویت‌های مادون ملی و هویت ملی نیز قابل تصور است. بخصوص در فرایند توسعه و نوسازی که نوسازی از یک سو باعث از میان رفتن پیوندهای مادون ملی می‌شود و از دیگر سوی، عملکرد آن به گونه‌ای است که با رشد آگاهی‌ها، هویت‌های دیگری را در سطح وسیع‌تری بوجود می‌آورد.

نوسازی سبب پیدایش طبقه‌ای جدید از روشنفکران می‌شود که آنها با دستیابی به امکانات پژوهشی بهتر می‌توانند هویت و موقعیت خود را بشناسند و با کمک گرفتن از این شناخت و نمایاندن محرومیت‌ها به شکل‌گیری هویت مادون ملی کمک کنند.

بخش دیگر مشکل در هویت ملی مربوط به خود فرایند هویت‌سازی است. از آنجا که روند توسعه جوامع و تغییر در شکل‌بندی‌های اجتماعی تدریجی است، همواره در شکل‌بندی‌های جدید، عناصری از هویت‌شناسی‌های دوران قبل به جای می‌ماند و افراد یک مجموعه نمی‌توانند بطور کامل خود را با وضعیت جدید هویت‌شناسی کنند. بقای بسیاری از زبان‌ها و لهجه‌های محلی، آداب و رسوم و الگوهای رفتاری و نظام‌های حقوقی محلی در دورانی که زبان رسمی و آداب و رسوم ملی و نظام حقوقی ملی وجود دارد به این جا مربوط می‌شود. در چنین وضعیتی نیز هویت ملی با مسأله مواجه است بخصوص در جوامعی که مردمانی با نژادها، فرهنگ‌ها، مذاهب‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت، تحت شکل‌بندی دولت ملی با ویژگی‌های خاص خودش سازمانده می‌شوند. در چنین حالتی، وفاداری به انواع هویت‌شناسی مادون ملی مانند طبقه، کاست، قوم و نژاد می‌تواند در فرایند وفاداری دولت ملی و اجزاء و عناصر شکل‌دهنده آنها مانع ایجاد کنند. با تصویر کردن چنین فضایی است که از دیدگاه هویت ملی می‌توان به مسأله قومیت اشاره کرد. قومیت به عنوان هویتی مادون ملی می‌تواند همواره مطرح باشد و اگر فرایند ملت‌سازی به صورت کامل انجام نشده باشد، می‌تواند به عنوان محوری برای ادعاهای گریز از مرکز مطرح شود. گرچه در تعریف قومیت اجماع نظری بین مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان و علمای سیاست وجود ندارد، به هر صورت، قومیت به عنوان رقیبی برای دولت ملی در عصر جدید همواره مطرح بوده و هویت قومی در مقابل هویت ملی قرار داشته است. در تعریف گروه قومی که بنیاد و محور قومیت است، به عناصری چون فرهنگ مشترک، تبار مشترک، طلب کردن نفع مشترک و ... اشاره شده و قومیت به عنوان وسیله‌ای برای هویت‌یابی در جوامع چندفرهنگی و چند نژادی و یا تلاش در جهت وحدتی روان‌شناسانه بر مبنای یک عنصر ذهنی یا واقعی مانند خون و تقدیر مشترک تعریف شده است. (۴)

به هر صورت ما خواه تعاریف قومیت را بپذیریم و براساس آن جامعه خود را

جامعه‌ای چندقومی بنامیم و خواه در کشورمان به کل منکر چنین پدیده‌ای باشیم، واقعیت این است که در درون کشور ما اقوام مختلفی زندگی می‌کنند بخصوص که بخشی از آنها در حاشیه مرزها مستقر هستند، همانند کردها، اعراب، بلوچ‌ها، آذری‌ها و ترکمن‌ها. حال چه از نقطه نظر ثبات سیاسی و چه از نقطه نظر مطالعه جامعه‌شناسانه، مطالعه وجوه مختلف زندگی این اقوام برای پی بردن به خواست‌ها و نیازهای واقعی آنها در جهت توسعه سیاسی و اقتصادی و یا در جهت تخصیص بجا و عادلانه امکانات، امری ضروری است. بر همین اساس در این مقاله سعی شده است که یکی از وجوه اساسی زندگی قومیت عرب استان خوزستان یعنی "گرایش آنها نسبت به هویت ملی" بررسی شود.

در این مقاله ابتدا مختصری در باب فرایند شکل‌گیری دولت ملی در ایران و مشکلات آن از نقطه نظر مسایل قومی با تأکید بر نقش قومیت عرب خوزستان بحث می‌شود، سپس به طرح عناصر و اجزای اصلی بحث خواهیم پرداخت. در نهایت گرایش قومیت عرب نسبت به مسأله هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران با ارائه آمار و ارقامی که بیانگر نتیجه پژوهش ما هستند سنجیده خواهد شد.

ب) فرایند شکل گرفتن دولت ملی در ایران و مشکلات آن

آنچه مسلم است، تشکیل دولت ملی در ایران سابقه‌ای طولانی ندارد. گرچه برخی از محققان خارجی تشکیل دولت ملی را به تأسیس حکومت صفویان در ایران نسبت می‌دهند؛ (۵) اما به مفهوم مدرن کلمه، دولت ملی با پیروزی انقلاب مشروطیت در ایران شکل می‌گیرد. علت هم این است که تا این زمان کشور ایران براساس پیوندهای ایلی-قبیله‌ای اداره می‌شد، اما با انقلاب مشروطیت در نظام اداره کشور عنصر جدیدی به نام ملت دخیل شد که دستاورد انقلاب مشروطیت بود. انقلاب مشروطیت و نهادهای تأسیسی آن به یک معنا شأن مردم ایران را از رعیت به ملت که صاحب حقوق سیاسی و اجتماعی و از جمله حق دخالت در تعیین سرنوشت است ارتقاء داد.

در قانون اساسی مشروطیت صحبت از مسایلی به میان آمد که طرح آنها می‌توانست در درازمدت احساس تبعیض را در برخی از اقوام ایرانی بوجود آورد، از آن جمله تأکید

بر زبان و مذهب رسمی و امکان دستیابی به مقامات سیاسی و اداری در جامعه. این وضعیت در دوران رضاخان که آن را با ظهور دولت مطلقه در ایران برابر دانسته‌اند، شدت بیشتری پیدا کرد. مسأله قومیت‌ها در این دوره به صورت حاد در سیاست عمومی کشور مطرح شد. رضاخان اقدام به سرکوب خوانین، رؤسای قبایل و کانونهای قدرت محلی که تا این زمان به خاطر ماهیت اداره ملوک‌الطوایفی کشور و ضعف دولت مرکزی قدرتمند بودند، کرد. در دوران اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، مسائل قومی دوباره به شکل حاد در کشور مطرح شد. بخشی از مسأله به رسوخ افکار مارکسیستی و تبیینی که مارکسیست‌ها از وضعیت اقوام ایرانی داشتند مربوط بود و بخشی دیگر از مداخله خارجی ناشی می‌شد. قضایای آذربایجان و کردستان در زمره بزرگترین مسایل قومی در این مقطع از تاریخ کشورمان است. در دوران پهلوی دوم روی هم رفته مسأله قومی حادی در کشور وجود نداشت. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، مسأله قومیت‌ها، دوباره در سیاست عمومی کشور چهره نمود. آشوب‌های گنبد، کردستان، "خلق عرب" در خوزستان و "خلق بلوچ" در سیستان و بلوچستان از جمله مهمترین آنها بود. در این جا نیز بخشی از مسأله ناشی از سابقه تاریخی و محرومیت‌هایی بود که بر این اقوام لاقلاً از جهت مسایل اقتصادی تحمل شده بود، و بخشی دیگر ناشی از تحولات انقلابی آن زمان می‌باشد. در هر صورت این مسایل به دستاویزی برای شکل دهی به هویت قومی و دست زدن به آشوب‌هایی تبدیل شد که در اوایل انقلاب در میان قومیت‌ها دیده می‌شود.

آغاز جنگ بین عراق و ایران، مسایل قومی را در خوزستان به علت مهاجرت اعراب به اقصی نقاط کشور موقتاً در این قسمت از کشور از بین برد. اما هم اکنون به دلایلی چند امکان بروز این پدیده وجود دارد:

اولاً، بسیاری از مهاجرینی که متمکن هستند و وجود آنها در منطقه از جهت بکار انداختن سرمایه در امر صنعت کشاورزی و تجارت اهمیت دارد، حاضر نشده‌اند مکان مهاجرت خود را ترک کنند و لذا عمده ساکنین در شهرها و روستاهای جنگ‌زده کسانی هستند که امکانات کافی برای اقامت و راه‌اندازی کسب‌وکار در سایر نقاط کشور را ندارند و عدم انتقال سرمایه‌ها باعث بیکاری فزاینده در میان آنها شده است.

ثانیاً، در اثر جنگ، بسیاری از کسانی که در شهرها زندگی می‌کردند، مهاجرت نمود. و بعد از جنگ، ماندن در غربت را به بازگشت به شهرهایی که با مشکلات گوناگون از جهت رفاه و امنیت مواجه هستند، ترجیح داده‌اند و ترکیب جمعیت شهرهای جنگ‌زده را روستاییان و حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند که نفس خود این مسأله می‌تواند مسأله‌ساز باشد.

ثالثاً، بیکاری، فقر فرهنگی و جوان بودن جمعیت از جمله مسایلی است که می‌تواند زمینه‌را برای ایجاد هویت قومی به عنوان محوری برای ابراز نارضایتی فراهم سازد. در این مقاله ما سعی می‌کنیم که به بخشی از مسایلی که می‌تواند زاینده نارضایتی و ایجاد زمینه‌ای برای هویت قومی باشد، اشاره کنیم.

ج) مفاهیم و روش پژوهش اول - هویت

در این مقاله، چند مفهوم اساسی وجود دارد که روشن شدن فضای معنایی آنها می‌تواند برای ادامه بحث مفید باشد. اولین مفهوم اساسی مفهوم "هویت ملی" است. در باب هویت ملی مختصری بحث شد. ولی برای اینکه حدود و ثغور معنایی آن روشن‌تر شود، مفهوم هویت را که در سطوح مختلف از هویت فردی تا جمعی نمود می‌یابد، بررسی می‌کنیم. روشن شدن معنای هویت به گونه‌ای غیرمستقیم به روشن شدن بیشتر معنای هویت ملی کمک می‌کند.

هویت از جمله مباحثی است که ابتدا در روان‌شناسی طرح شد و بتدریج وارد سایر حوزه‌های علوم انسانی شده است. از لحاظ معنای لغوی، هویت به معنای هستی و وجود است. در اصطلاح علمی به معنی چیستی شناسی یا کیستی شناسی است. زمانی که ما درباره شخصی از هویت او سؤال می‌کنیم، در واقع منظورمان این است که او چگونه خود را معرفی می‌کند یا می‌شناساند. پاسخی که او در مقابل این سؤال اظهار می‌دارد به معنای اظهار و شناخت او از هویتش است.

در روان‌شناسی، ابتدا این واژه را اریکسون^۱ بکار برد و منظورش بیان یک مرحله از

1) Erikson

تحول جسمی و شخصیتی انسان است که به هویت سطحی یا فردی، معنا شده است. این وضعیت در بردارنده مفاهیمی است که همسانی و تداوم شخصیت فرد را تضمین می‌کند. زمینه‌های ذهنی هویت به صورت ناخودآگاه در اثر شناسایی‌های دیگران از فرد شکل می‌گیرد. این زمینه‌ها تصوراتی است که فرد درباره خود بر اثر واکنش‌های دیگران بدست می‌آورد. همین تصورات کم کم به هویت او شکل می‌دهد. اینکه او فردی باهوش است، به طبقه فقیر یا غنی تعلق دارد، از لحاظ جسمانی قوی است یا ضعیف، فردی است خوب یا بد، همه ناشی از واکنش‌های دیگران به اعمال فرد و تصویرسازی ذهنی او از این اعمال مربوط می‌شود. از این طریق است که کم کم "هویت شخصی"^۱ شکل می‌گیرد. (۶)

ساختمان هویت فرد در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد، اما مصالح آن در هویت‌شناسی‌های اولیه ساخته می‌شود. اولین مرحله در شکل‌گیری هویت، خانواده است. ابتدا فرد خودش را با والدین و اطرافیانش تطبیق می‌دهد ولی بتدریج که بزرگتر شد، وارد اجتماعات دیگری چون محله، قبیله، کاست و ... می‌شود. نقش خانواده و نگرش‌های والدین در هویت‌شناسی فرد و ارضای بسیاری از نیازهای اساسی او مهم است. لکن تمامی نیازهای فرد در خانواده برآورده نمی‌شود و باید محملی دیگر برای آن یافت. این محمل، اجتماعات بیرون از خانواده است - خواه گروه همسالان و هم‌بازی‌های محله باشد، خواه قبیله و یا طبقه و در پژوهش ما دولت ملی. (۷)

مسئله این است که اجتماعات به تدریج شکل می‌گیرند و در مراحل تحول از رشد هویت فرد در یک جامعه همواره عناصری از هویت‌شناسی‌های اولیه در شخصیت فرد باقی می‌مانند و در هویت‌شناسی‌های ثانوی تأثیر می‌گذارند، به گونه‌ای که ممکن است هویت‌شناسی فرد در مرحله ثانوی، فرایندی ناقص باشد. به عنوان مثال، در مرحله هویت ملی ممکن است وفاداری به خانواده، قوم و قبیله در چارچوب وفاداری به دولت ملی و عناصر آن نباشد. در این صورت است که امکان بروز بحران هویت وجود دارد و سرآغازی است برای رشد هویت‌های مادون ملی به عنوان رقیب هویت ملی که از این جمله می‌توان به قومیت‌گرایی و هویت قومی اشاره کرد.

1) Personal Identity

دوم - گرایش

گرایش در معنای علمی اش، بیش از صد سال سابقه ندارد. واژه Attitude که در فارسی به گرایش ترجمه شده، از ریشه لغت Aptus لاتینی است که به معنای تطبیق است و در اصطلاح، بیانگر آمادگی ذهنی برای انجام عمل خاصی است. (۸) در این معنا، گرایش با مفاهیم مترادف آن چون نگرش، پیش داوری و رفتارهای قالبی تفاوت دارد. در نگرش، فرد هنوز تجربه کافی در مورد رد یا قبول یک پدیده بدست نیاورده است و لذا نگرش افراد معمولاً تغییر می‌کند. اما گرایش چون با تجربه همراه است، مرحله‌ای است جلوتر از تجربه که فرد تکلیفش را با پدیده خاص روشن کرده است. پیش‌داوری به نوبه خود جلوتر از گرایش است. در این مرحله تجربه فرد درباره یک پدیده به سایر پدیده‌ها تعمیم می‌یابد. رفتار قالبی، زمانی پدید می‌آید که اطلاعاتی که ذهن انسان براساس آن تصمیم‌گیری می‌کند، غلط و انعطاف‌ناپذیر باشد. در این مرحله، فرد نسبت به پدیده خاص نگرش و موضعی خصمانه اتخاذ می‌کند. (۹)

البته در باب مفهوم گرایش، نظریاتی نیز در روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده است که از آن جمله است: نظریات فیش‌باین و آیزن که نقش گرایش را در بروز رفتار بررسی کرده‌اند. از نظر آنها، بروز رفتار انسان در سلسله‌ای از حلقه‌هایی بروز می‌یابد که حلقه ماقبل بروز رفتار قصد و نیت و مرحله قبل آن گرایش است. عواملی همچون انتظار فایده از رفتار موردنظر، ارزیابی فایده در مورد رفتار موردنظر، انتظارات دیگران در مورد رفتار مورد نظر و پیروی از انتظارات دیگران در بروز رفتار موردنظر در شکل دادن به گرایش مهم‌اند. از جمله نظریات دیگر در این باب، نظریه روزون اشتیل است که عواملی چون ارضای نیاز، رضایت افراد، میزان دست‌یابی به اهداف و تجربه قبلی را در بروز گرایش مهم می‌داند. هروشکا و گرونبرگ نیز بر نظریه تسری که براساس آن رضایت از یک بخش زندگی به سایر بخش‌های آن منتقل می‌شود، تأکید کرده‌اند. (۱۰) علاوه بر این مسایل، مسایل فردی نیز هستند که بر گرایش تأثیر می‌گذارند: از جمله، صفات فردی (سن، سواد، وضعیت اقتصادی، تأهل، قومیت، نوع شغل)، صفات خانواده‌ها (برنامه زندگی، تعداد اعضای خانواده، درآمد خانواده، مشاغل وضعیت

مسکن و ...)، صفات واحدهای اجتماعی مانند قبیله، شهر، روستا و ... که بخشی از این‌گونه مسایل به‌عنوان متغیر در این پژوهش، به بحث گرفته شده‌اند.

سوم - روش سنجش گرایش

برای سنجش گرایش روش‌های متفاوتی وجود دارد. از جمله:

۱ - سنجش گرایش در سطح اسمی که در آن سؤالاتی به پاسخگو داده می‌شود

که او یکی از دو گزینه "بلی" و یا "خیر" را انتخاب می‌کند.

۲ - سنجش گرایش در سطح ترتیبی^۱ که در این روش پاسخ سؤالات از خیلی

منفی به خیلی مثبت می‌روند.

۳ - سنجش گرایش در سطح فاصله‌ای^۲ که در این روش گویه‌های پژوهش،

به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند تا بتوان با روشهای دقیق و حساب شده از

مجموع آنها نمراتی بدست آورد و از طریق آن تفاوت بین گرایش افراد را سنجید.

ما در این مقاله از روش سنجش اسمی و ترتیبی استفاده کرده‌ایم. بعلاوه از طیف

بوگاردوس که در آن گرایش به طیفی هفت قسمی تقسیم می‌شود، همچنین از طیف

لیکرت، گوتمن و برش قطبین نیز استفاده شده است.

د) متغیرهای پژوهش

اول - متغیرهای مربوط به هویت ملی

از آنجا که مفهوم هویت ملی، با ملت‌سازی و ملی‌گرایی ارتباط مستقیم دارد و برای

اینکه بتوان مفهوم هویت ملی را سنجش پذیر کرد، ما سه عنصر دولت، سرزمین و ملت

را به‌عنوان عناصری که برآیند آنها نشان‌دهنده شدت و ضعف گرایش فرد نسبت به

هویت ملی است، انتخاب کرده‌ایم. شاخص‌های هر متغیر از این قرار است:

۱- شاخص‌های عنصر سرزمین

۱-۱ - آمادگی برای دفاع از سرزمین در موقعیت خطر خارجی

- ۱-۲- ترجیح زندگی در ایران بر سایر نقاط ایران
- ۱-۳- پذیرفتن ایران به عنوان وطن
- ۱-۴- اهمیت ایران (بود و نبود آن) در نظر فرد
- ۱-۵- احساس تنفر از ایران

۲- شاخص‌های عنصر حاکمیت (دولت)

- ۲-۱- علاقه‌مندی به نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۲-۲- مردمی بودن حکومت
- ۲-۳- میزان توجه دولت (حکومت) به مشکلات مردم
- ۲-۴- مقایسه حکومت با رژیم شاه
- ۲-۵- دلسوز بودن یا نبودن سران حکومت
- ۲-۶- مستقل و وابسته بودن دولت (حکومت)
- ۲-۷- آمادگی برای همکاری با دولت

۳- شاخص‌های عنصر ملت

- ۳-۱- تمایل به ازدواج کردن با غیر اعراب
- ۳-۲- تمایل به همسایه بودن با غیر اعراب
- ۳-۳- تمایل به معاشرت با غیر اعراب
- ۳-۴- تمایل به هموطن بودن با غیر اعراب
- ۳-۵- تمایل به همکار بودن با غیر اعراب
- ۳-۶- تنفر از غیر اعراب
- ۳-۷- تمایل به زندگی در سایر نقاط ایران در میان غیر اعراب

دوم - متغیرهای سطح فردی

از آنجا که مسایل مختلفی در شکل‌دهی به گرایش فرد نسبت به هویت ملی مؤثر است، بخشی از متغیرهای پژوهش ما به سطح فردی مربوط می‌شود. اهم این متغیرها

عبارتند از:

۱- میزان آگاهی فرد براساس شاخص‌های ذیل:

۱-۱- مسافرت به داخل کشور

۱-۲- مسافرت به خارج از کشور

۱-۳- سواد و تحصیلات

۲- سن

۳- وضعیت اقتصادی براساس شاخص اشتغال

۴- رضایت از زندگی براساس دو شاخص:

۴-۱- رضایت از مردم محل زندگی

۴-۲- رضایت از همسایه‌های دیوار به دیوار

۵- رضایت از اوضاع فردی براساس دو شاخص:

۵-۱- رضایت از خانواده

۵-۲- رضایت از زندگی فردی

۶- رضایت از همکاری با دولت

۷- وضعیت امکانات رفاهی

سوم - سایر متغیرها

در این پژوهش علاوه بر متغیرهای ذکر شده که شکل‌دهنده به مدل اصلی تحقیق هستند، برخی از متغیرهای دیگر نیز که تشخیص داده شد، بین آن‌ها و مسأله‌گرایی نسبت به هویت ملی، ممکن است رابطه وجود داشته باشد، بررسی شده‌اند. از جمله:

۱- مشکلات عمومی مهاجرین بعد از بازگشت

۲- علت بازگشت مهاجرین به موطن اصلی خود

۳- چگونگی ونحوه همکاری دولت با مهاجرین بازگشته در زمینه‌های مختلف

۴- انتظار همکاری از دولت، مردم، بستگان، نماینده مجلس در رفع مشکلات

۵- چگونگی ونحوه رفت و آمدهای خانوادگی افراد

۶- وضعیت مسکن در حال حاضر

۷- وضعیت امکانات رفاهی دولتی در حال حاضر

ه) روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای سنجش گرایش قومیت عرب براساس متغیرهای مربوط، پرسشنامه‌ای با ۷۳ سؤال مطرح شد. جامعه نمونه، اعراب استان خوزستان بودند و خوشه‌هایی که برای مصاحبه انتخاب شدند از شهرهای اهواز، آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، امیدیه و برخی از روستاهای این استان بودند. زمان پخش پرسشنامه خرداد ماه ۱۳۷۶ بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود و لذا نتایج را باید با توجه به این واقعه مهم تحلیل کرد. برای تعیین گرایش، از روش‌های تعیین همبستگی استفاده شده است. از جمله از روش ضریب همبستگی پیرسون با فرمول:

$$r_{xy} = \frac{N\sum XY - (\sum X)(\sum Y)}{\sqrt{[N\sum X^2 - (\sum X)^2][N\sum Y^2 - (\sum Y)^2]}}$$

و ضریب همبستگی فای با فرمول:

$$Q = \frac{AD-BC}{\sqrt{(A+B)(C+D)(A+C)(B+D)}}$$

برای تجزیه و تحلیل آماری گرایش‌های مختلف نسبت به گویه‌های تحقیق - هرگویه بیانگر یکی از شاخص‌های تحقیق است که به صورت سؤال در پرسشنامه طرح شده - و بررسی همبستگی بین عناصر و متغیرهای اصلی پژوهش در مدل اصلی و مسأله هویت ملی، مراحل به قرار زیر انجام می‌شود:

- ۱- تعیین توزیع نسبی ارزیابی پاسخگویان از هفت گویه گوتمن در یک طیف سه قسمتی در مورد گرایش قوم عرب نسبت به عنصر ملت از عناصر هویت ملی
- ۲- تعیین درصد موافقت یا پذیرش غیراعراب، توسط عرب‌ها در مقایسه با مورد اول
- ۳- تعیین میزان همبستگی بین عناصر اصلی هویت ملی و تعیین سطح معنی‌داری آن با استفاده از آزمون T

۴- احتساب نمره گرایش پاسخگویان و سنجش میزان هماهنگی و پایداری درونی با استفاده از روش احتساب ضریب همبستگی پیرسون در طیف لیکرت در رابطه با متغیرهای مدل اصلی تحقیق و هویت ملی و همچنین تعیین پایداری درونی با روش تعیین همبستگی فای

(و) نتایج پژوهش

اول - نتایج مربوط به متغیرهای هفت‌گانه خارج از مدل اصلی تحقیق

۱- مشکلات عمومی

این مشکلات به چهار دسته کلی مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. مشکلات اجتماعی، این موارد را شامل می‌شوند: افزایش و تراکم جمعیت، امکانات ضعیف و یا نبود امکانات بهداشتی، نداشتن مسکن مناسب، کمبود امکانات رفاهی با توجه به اقلیم منطقه مانند کولرگازی و ...، رشد و افزایش اعتماد بین جوانان، بیکاری و دسترسی نداشتن به شغل مناسب. مشکلات فرهنگی شامل مشکلات آموزشی مانند کمبود مدرسه، معلم و سایر امکانات آموزشی و مشکلاتی که ناشی از فقر و دورافتادگی است. مشکلات سیاسی شامل نبود مسئولین دلسوز، ضعف در مدیریت‌های اجرایی، ادارات دولتی، عدم اجرای قانون، فساد اداری مثل رشوه‌خواری، نبود عدالت اجتماعی و اعمال تبعیض آمیز مسئولان دولتی، سوءاستفاده از وام‌ها توسط مسئولین، عدم رسیدگی به مشکلات مردم، مقام‌پرستی مسئولان، اختلاس در بودجه استان و ... می‌شود. مشکلات اقتصادی عبارتست از تورم و گرانی، ضعف درآمد با توجه به شغل نامناسب، نبود و یا کمبود وام‌های اعطایی، گرانی مصالح ساختمانی و

نتیجه رتبه‌بندی این مشکلات به‌گونه‌ای است که مشکلات اجتماعی با میزان حدود ۸۸/۷٪ در رتبه اول، مشکلات اقتصادی با میزان ۶۵/۵٪ در رتبه دوم، مشکلات فرهنگی با رتبه ۴۰/۲٪ در رتبه سوم و سرانجام مشکلات سیاسی با ۳۴/۵٪ در رتبه چهارم جای دارند (نمودار شماره یک).

مشکلات اجتماعی ۸۸/۷٪ < اقتصادی ۶۵/۵٪ < فرهنگی ۴۰/۲٪ < سیاسی ۳۴/۵٪
این مشکلات به صورت تشریحی و توسط خود مردم بیان شده‌اند. در این جا رتبه‌بندی
مشکلات نشان می‌دهد که دولت باید در جهت رفع مشکلات اجتماعی که برآورده
نشده‌اند می‌تواند سبب رشد هویت قومی شود، سریعاً اقدام کند.

۲- علت بازگشت مهاجرین به موطن قبلی

مجموعه عللی که سبب شده تا مهاجرین به موطن خود برگردند عبارتند از:

- ۱- ۲- حس وطن‌دوستی و علاقه به آب و خاک خوزستان (۷۲/۹ درصد)
- ۲- ۲- نبود کار و امکانات در غربت و آماده بودن آن در وطن (۵۳/۴ درصد)
- ۳- ۲- علل دیگر مانند علایق فردی، تصادفات و حوادثی منحصر به فرد که موجب بازگشت شده است و مواردی از این قبیل (۲۱/۸ درصد) (نمودار شماره ۲).

آنچه در این میان اهمیت دارد، ترغیب دولت و یا در مواردی اجبار مهاجرین به بازگشت بوده است. همان‌گونه که در بحث مشکلات آمد، وجود مشکلات زیاد اجتماعی و اقتصادی می‌تواند زمینه را برای بازگشت دوباره مهاجرین فراهم کند و در صورتی که این امکان برایشان فراهم نباشد، برآورده نشدن انتظارات آنها زمینه نارضایتی را فراهم خواهد کرد که می‌تواند زبان خود را در مسایل قومی یابد و سبب رشد هویت قومی گردد.

۳- اقدامات دولت در جهت رفع مشکلات مردم

اقدامات دولت در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امور جزئی خاص، از طرف مردم بیان شده است. رتبه‌بندی اقدامات دولت به شرح زیر است:

- ۱- ۳- اقدامات اقتصادی (۶۳/۶ درصد)
- ۲- ۳- اقدامات اجتماعی (۵۶/۶ درصد)
- ۳- ۳- اقدامات فرهنگی (۲۳/۶ درصد)
- ۴- ۳- امور جزئی (۲۲ درصد)

۵-۳- اقدامات سیاسی (۱۲/۷ درصد) (نمودار شماره ۳).

آنچه مسلم است، مسأله بازسازی عمده فعالیت دولت را به خود اختصاص داده ولی همین اقدامات اولیه باعث شده است که مشکلات اجتماعی، خودنمایی کند که در جای خود مسأله‌ای بسیار مهم است. بعلاوه اقدامات فرهنگی دولت زیاد نیست و باید در این زمینه فعالیت بیشتری صورت گیرد.

۴- انتظار همکاری

انتظار همکاری مردم در رفع مشکلات، که به نوعی بیانگر تلقی و فرهنگ عمومی سیاسی آنها نیز می‌تواند باشد، در موارد ذیل بیان شده است:

۱- ۴- انتظار از دولت در جهت رفع مشکلات (۶۹/۵ درصد)

۲- ۴- انتظار از نماینده مجلس (۲۰ درصد)

۳- ۴- انتظار از مردم (۱۷ درصد)

۴- ۴- انتظار از اقوام و فامیل و همسایگان (۲/۹ درصد)

۵- ۴- تمام موارد فوق (۲۰ درصد) (نمودار شماره ۴).

به نظر می‌رسد که چشم امید مردم در رفع مشکلات به سوی دولت است. این مسأله چند دلیل دارد. اول اینکه مشکلات به گونه‌ای گسترده و عمیق است که مردم کسی غیر از دولت را برای حل آن توانا و قادر نمی‌یابند. دوم اینکه عملکرد و تبلیغات دولت در جهت بازسازی و رفع مشکلات، انتظارات مردم را نسبت به دولت افزایش داده است و سوم اینکه در صدر قرار داشتن انتظار از دولت، بیانگر رواج فرهنگ سیاسی تبعی است که در آن مردم فقط تابع دولت بوده و کمتر حاضرند خود ابتکار عمل در زمینه رفع مشکلات را برعهده گیرند. در هر صورت وظیفه دولت با این حساب بسیار سنگین است. اقدامات فرهنگی در جهت تشویق مردم در فرایند مشارکت و بازسازی و رفع مشکلات از یک سو و توجه دقیق و فعال دولت می‌تواند زمینه نارضایتی را از میان ببرد.

۵- چگونگی ارتباط خانوادگی

ارتباطات خانوادگی در بین افرادی که مورد پرسش واقع شده‌اند، از این قرار است:

۱- ۵- رفت و آمد با بستگان و قوم و خویش (۲۹/۷ درصد)

۲- ۵- رفت و آمد با پدر و مادر (۲۶/۷ درصد)

۳- ۵- رفت و آمد با همسایگان (۸/۹ درصد)

۴- ۵- رفت و آمد با همکاران (۳ درصد)

۵- ۵- رفت و آمد با تمام موارد فوق (۵۴/۵ درصد) (نمودار شماره ۵).

گرچه نتیجه ۵۴/۵ درصد را نمی‌توان بخوبی تحلیل کرد که چه میزان از آنها با فامیل و خانواده درجه اول و چه میزان با سایر موارد رابطه دارند، اما روی هم رفته می‌توان به این نتیجه رسید که مردم عرب مردمی منزوی نیستند و ساختار قبیله‌ای آنها به گونه‌ای است که تمایل دارند با همدیگر رابطه داشته و از مشکلات و مسایل یکدیگر باخبر باشند. گرچه انزوای اجتماعی خود نوعی بلیه است اما در شرایطی که مشکلات فراوان و زمینه رانده شدن هویت‌های مادون ملی از جمله قومی زیاد است، نفس ارتباطات زیاد خود زمینه‌ای برای رشد آگاهی جمعی از وضعیت مشابه و در نتیجه رشد هویت قومی می‌باشد.

۶- وضعیت مسکن مهاجرین

۱- ۶- سکونت در منزل پدر و مادر (۳۴/۲ درصد)

۲- ۶- منزل مستقل ملکی (۲۴/۲ درصد)

۳- ۶- منزل اجاره‌ای (۲۱/۹ درصد)

۴- ۶- منزل سازمانی (۲۱/۹ درصد)

۵- ۶- سایر موارد (۱/۸ درصد) (نمودار شماره ۶).

از مصاحبه‌شوندگان، ۳۲ نفر مجرد و ۸۲ نفر متأهل بوده‌اند که نسبت آنها ۲۸/۱ درصد به ۷۱/۹ درصد است. این مسأله نشانگر این است که یا به خاطر سنت‌های خانوادگی جوانان پس از ازدواج ترجیح می‌دهند که در منزل پدر و مادر زندگی کنند و یا به خاطر مشکلات اقتصادی توانایی خرید و یا اجاره منزل مستقل را ندارند. بعلاوه در این جا نمی‌توان نقش خانه‌های سازمانی را نادیده گرفت که اگر وجود نداشتند، مشکل مسکن بیشتر نمود پیدا می‌کرد. گران بودن مصالح ساختمانی و دور از دسترس بودن آنها، کمبود و ناکافی بودن وام‌های اعطایی دولت برای بازسازی و ایجاد مسکن، از زمره مسایلی

است که کمبود مسکن را دامن زده است.

۷- وضعیت امکانات رفاهی عمومی

رتبه‌بندی این امکانات از نظر مردم به شکل زیر است:

۱- ۷- برق (۹۵/۵ درصد)

۲- ۷- آب لوله‌کشی (۹۲ درصد)

۳- ۷- خانه بهداشت و بیمارستان (۸۱/۱ درصد)

۴- ۷- مخابرات (۷۸/۴ درصد)

۵- ۷- گاز (۱۵/۳ درصد) (نمودار شماره ۷).

نکاتی که در این زمینه قابل توجه می‌باشد، این است که دولت سعی کرده امکانات اولیه زندگی را در منطقه فراهم کند اما این فقط ظاهر کار است. در باب کیفیت این امکانات اظهارنظری نشده است. مسأله قابل مشاهده این است که برق معمولاً بطور متوالی در شهرهای پرجمعیت مانند خرمشهر و آبادان در تابستان و زمستان قطع می‌شود. آب لوله‌کشی در خرمشهر و آبادان و اهواز بشدت آلوده است و بخوبی تصفیه نشده و مزه آب نهر می‌دهد. امکانات بهداشتی نیز ضعیف است. علی‌رغم این که منطقه خوزستان صادرکننده گاز به دنیا است، هنوز شهرهای بزرگ آن گازکشی نیست و مردم از کپسول گاز استفاده می‌کنند و این زمینه‌ای برای احساس تبعیض در زمینه تخصیص امکانات است.

دوم - نتایج پژوهش در مورد متغیرهای سطح فردی پژوهش (جدول شماره ۱)

تعیین رابطه همبستگی بین این متغیرها و عناصر اصلی هویت ملی از روش پیرسون در طیف لیکرت انجام شده است:

۱- همبستگی متغیر آگاهی با شاخص‌های آن نسبت به هویت ملی

۱-۱- رابطه بین مسافرت به داخل و گرایش نسبت به عناصر هویت ملی (۰/۷۶)

۱-۲- رابطه بین مسافرت به خارج و گرایش نسبت به عناصر هویت ملی (۰/۲۵)

۱-۳- رابطه بین سطح تحصیلات فرزندان خانواده و گرایش نسبت به عناصر

هویت ملی (۰/۱۳)

۴-۱ - رابطه بین سطح سواد خود فرد و گرایش نسبت به هویت ملی (۰/۸۶)

ملاحظه می‌شود که در دو مورد اول سطح معنی‌داری بسیار کم و مبهم است. در مورد سطح سواد فرزندان خانواده و خود فرد این معنی‌داری بسیار زیاد است و نشانگر این است که هر چه سطح آگاهی و سواد افزایش پیدا کند، تمایل و گرایش نسبت به هویت ملی افزایش می‌یابد.

۲ - همبستگی بین متغیر سن و هویت ملی ۰/۱۵ است یعنی بین سن و گرایش نسبت به هویت ملی رابطه معناداری وجود ندارد.

۳ - همبستگی بین متغیر وضعیت اقتصادی از طریق شاخص اشتغال ۴۰ درصد است که عددی بسیار معنادار است و یعنی آنکه داشتن شغل مناسب می‌تواند کمک‌زبادی به از میان رفتن نارضایتی و افزایش گرایش فرد نسبت به هویت ملی بنماید.

۴ - همبستگی بین متغیر رضایت از زندگی با دو شاخص ذیل نسبت به هویت ملی این‌گونه است:

۴-۱ - رضایت از مردم محل (۱۳ درصد)

۴-۲ - رضایت از همسایه دیوار به دیوار (۱۳ درصد)

در هر دو مورد رابطه معنادار است و این نتیجه مطابق نظریه هروشکا و گرونبرگ که معتقد به نظریه تسری^۱ هستند، قابل تفسیر است که رضایت از یک حوزه زندگی می‌تواند به سایر حوزه‌ها تسری یابد و در این جا گرایش فرد را نسبت به هویت ملی و عناصر آن معنادار کرده است.

۵ - همبستگی بین متغیر از اوضاع فردی نسبت به هویت ملی

۵-۱ - رضایت از زندگی (۱۸ درصد)

۵-۲ - رضایت از خانواده (۱۲ درصد)

هر دو رابطه معنادار است.

۶ - رابطه بین متغیر رضایت از همکاری دولت نسبت به هویت ملی ۴۲ درصد که بسیار معنی‌دار است و نشانگر این است که دولت هر چه مقدار امکانات و تلاش خود را بالا ببرد، دیدگاه مردم نسبت به آن مثبت می‌شود.

۷ - همبستگی بین متغیر امکانات و رابطه آن با عناصر هویت ملی ۲۱ درصد که این رابطه نیز معنادار است. (۱۱)

سوم - نتایج پژوهش در مورد متغیرهای مربوط به هویت ملی همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، متغیرها یا عناصری که هویت ملی را می‌توان از طریق آن شناسایی کرد عبارتند از، سرزمین، دولت (حکومت) و ملت که شاخص‌های هر کدام نیز تعیین شد. در این جا نتیجه پرسشنامه در مورد این شاخص‌ها بیان می‌شود.

۱ - گرایش افراد نسبت به عنصر سرزمین از عناصر هویت ملی، اعداد بیانگر میانگین ارزیابی است. (جدول شماره ۴)

۱-۱ - ترجیح زندگی در ایران (۳/۴۷ درصد)

۱-۲ - آمادگی برای دفاع از ایران (۳/۶ درصد)

۱-۳ - پذیرفتن ایران به عنوان وطن (۳/۴۵ درصد)

۱-۴ - اهمیت ایران، (بود و نبود آن) از نظر فرد (۶۲ درصد)

۱-۵ - احساس تنفر از ایران (۰/۴۰۹٪)

میانگین ارزیابی از پاسخ‌های ارائه شده، نشان می‌دهد که بجز در مورد آخر، سایر موارد رابطه معنی‌دار است و نشانگر این است که احساس تعلق به عنصر سرزمین در میان اعراب بسیار قوی است.

۲ - گرایش افراد نسبت به عنصر ملت: اعداد بیانگر میانگین ارزیابی است:

۲-۱ - تمایل به ازدواج کردن با غیراعراب (۱/۲۲ درصد)

۲-۲ - تمایل به همسایه بودن با غیراعراب (۱/۶۴ درصد)

۲-۳ - تمایل به معاشرت و رفت و آمد با غیراعراب (۱/۳ درصد)

۲-۴ - تمایل به هموطن بودن با غیراعراب (۱/۵۵ درصد)

۲-۵ - تمایل به همکاری بودن با غیراعراب (۱/۶۵ درصد)

۲-۶ - تنفر از غیراعراب در این مورد گویه به این شکل است "من با نظر عادل مخالفم که می‌گوید: من اصلاً خوشم نمی‌آید که با غیراعراب هموطن باشم." (۱/۵۹ درصد)

۲-۷ - تمایل به زندگی در سایر نقاط ایران در میان غیراعراب (۱/۸۱ درصد)

نمره ارزیابی درباره این عنصر از هویت ملی نشان می‌دهد که عرب‌ها، نسبت به غیراعراب حساسیت خاصی ندارند. مهمترین حوزه حساسیت، ازدواج با غیر عرب‌ها است که میانگین ارزیابی این‌گونه نیز مثبت و معنی‌دار است. به این معنی که اگر فردی غیرعرب با ویژگی‌هایی چون اخلاق شایسته و تحصیل‌کرده برای ازدواج به خانواده‌های آنها مراجعه کند، امکان اینکه ازدواج صورت بگیرد، وجود دارد. در سایر موارد بجز در مورد تمایل به معاشرت با غیراعراب، ارزیابی معنی‌دار و مثبت است. در این زمینه یعنی ازدواج و تمایل به معاشرت، باید به نکاتی توجه داشت. از جمله ساختار قبیله‌ای، آداب و رسوم و زبان خاص، که باعث شده آنها ترجیح بدهند با یکدیگر روابط خانوادگی داشته باشند. اما در هر صورت ارزیابی منفی نیست و گرایش اعراب روی هم رفته نسبت به این عنصر از هویت ملی نیز مثبت است.

۳- گرایش افراد نسبت به عنصر دولت از عناصر هویت ملی (جدول شماره ۴)

۱- ۳- علاقه‌مندی به نظام جمهوری اسلامی ایران (۸۴/۶ درصد)

۲- ۳- مردمی بودن حکومت (۲/۹۹ درصد)

۳- ۳- توجه دولت به مشکلات مردم (۱/۵۰۹ درصد)

۴- ۳- مقایسه حکومت فعلی با رژیم شاه (۳/۳۵۱ درصد)

۵- ۳- دلسوز بودن سران حکومت (۳/۲۳۶ درصد)

۶- ۳- مستقل و وابسته بودن دولت (حکومت) (۳/۴۶۲ درصد)

۷- ۳- آمادگی برای همکاری با دولت (۳/۴۱۸ درصد)

در این باره مورد اول، قدری ابهام دارد، ولی مسأله مهم شاخص سوم است درباره توجه دولت به مشکلات مردم. نمره ارزیابی در مقایسه با سایر موارد پایین‌تر است و این نشانگر وجود مشکلات زیاد و بی‌مسئولیتی‌های مسؤولان محلی، اختلاس‌ها و فساد اداری موجود در مراکز دولتی، شهرها و روستاها است. ضروری است که حتماً به این مهم توجه شود. در دید مردم عوام، کارکنان اداری مساوی نظام تلقی می‌شوند و نارضایتی از اعمال آنها، می‌تواند به چهره نظام بشدت آسیب زند.

برای اینکه همبستگی بین عناصر هویت ملی و میانگین ارزیابی آنها، با دقت بیشتری سنجیده شود و در نهایت معلوم شود که ضعف گرایش نسبت به کدامیک از عناصر

هویت ملی است، در نتیجه این آزمایش اعداد ذیل بدست آمده است:

-گرایش نسبت به سرزمین (۰/۳۴)

-گرایش نسبت به ملت (۰/۱۷)

-گرایش نسبت به دولت (۰/۳)

که نمودار ریاضی آن بشکل زیر می باشد: (جدول شماره ۵)

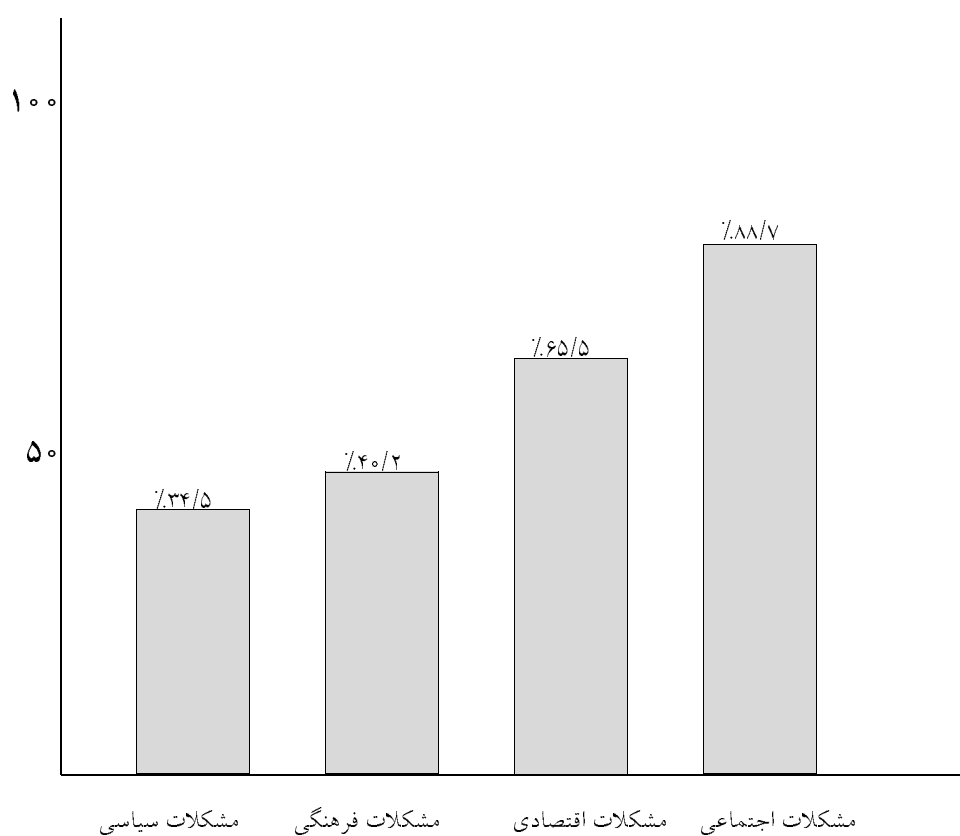
سرزمین (۰/۳۴) < ملت (۰/۱۷) < دولت (۰/۳)

نتیجه گیری

برآیند مطالعه میدانی ما براساس اعداد و ارقامی که نشانگر گرایش قومیت عرب نسبت به عناصر هویت ملی است نشان می دهد که اولاً روی هم رفته مسأله هویت ملی در میان اعراب حل شده است. بطور کلی گرایش آنها نسبت به دولت، معنادار است. همین گرایش جای امیدواری زیاد دارد و می توان با اتخاذ استراتژی های فرهنگی و تبلیغی، بسیاری از مرزهای موجود را که عموماً زائیده نگرش های تعصب آمیز است، از میان برداشت. ثانیاً این اصلاح نگرش باید متوجه اکثریت فارسی زبان ها نیز باشد تا آنها نسبت به اعراب دید تعصب گونه نداشته باشند. بعلاوه دولت باید توجه بیشتری در جهت توسعه اقتصادی منطقه از خود نشان بدهد تا گرایش نسبت به دولت تغییر کرده و قوی تر شود.

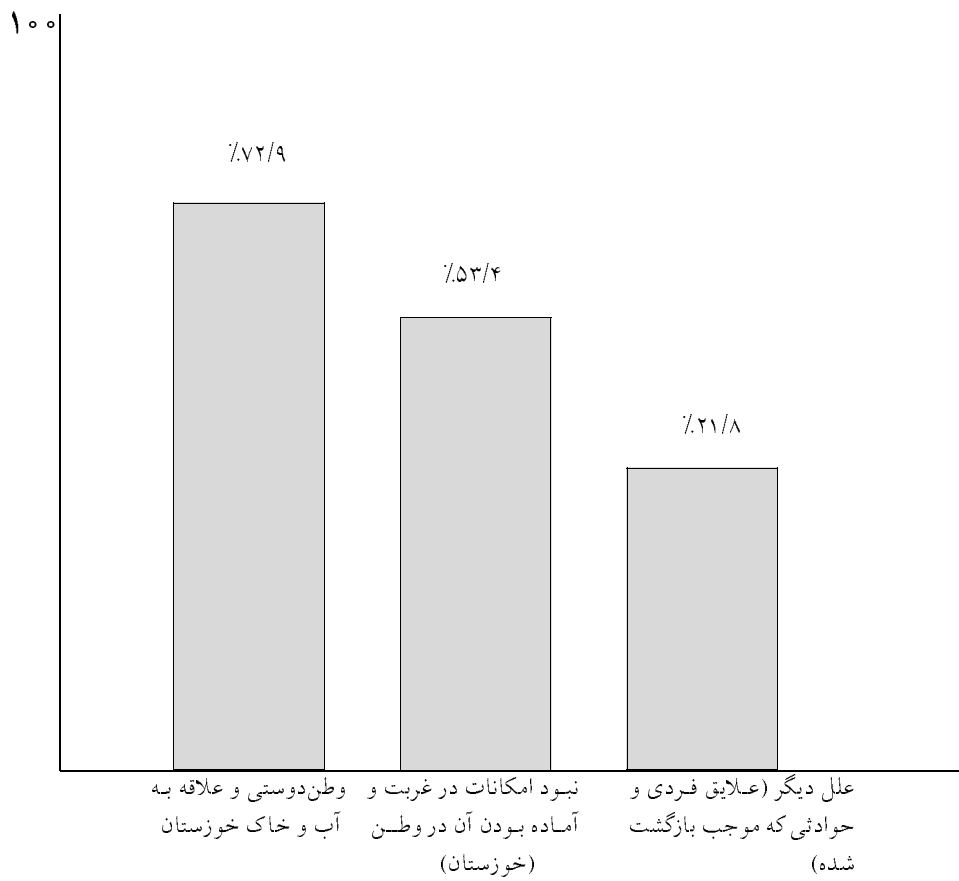
نمودار شماره (۱)

رتبه بندی مشکلات موجود در استان خوزستان از دیدگاه اعراب ساکن استان

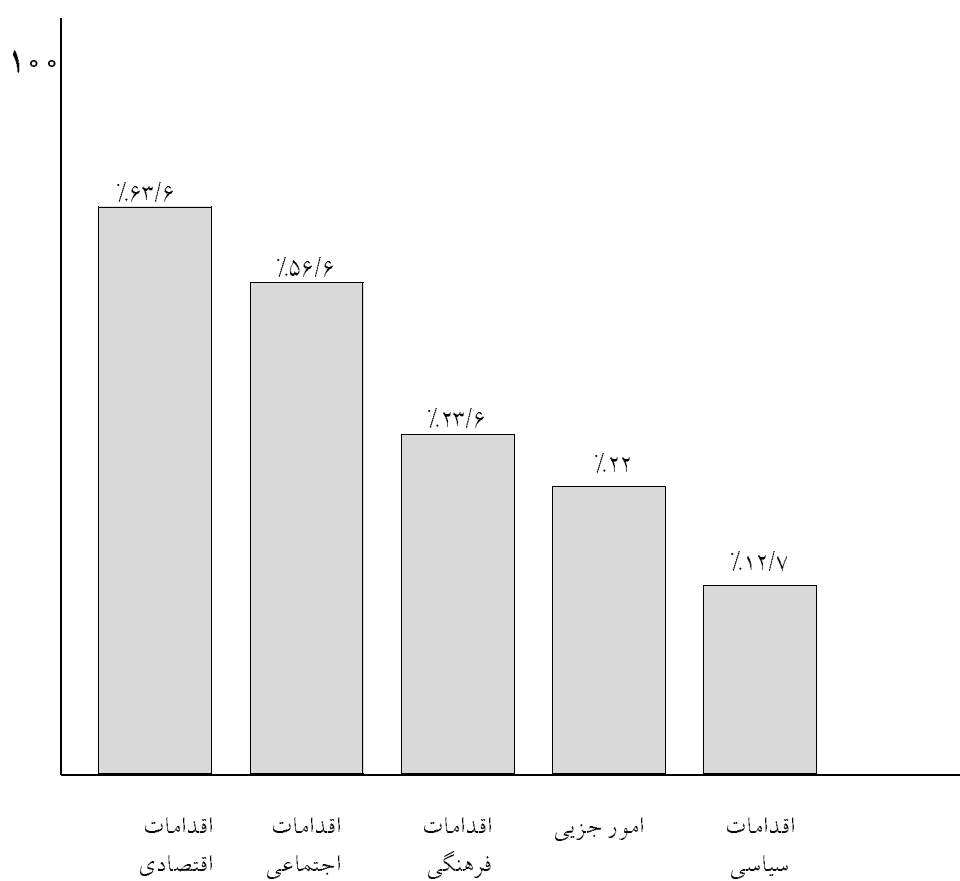


نمودار شماره (۲)

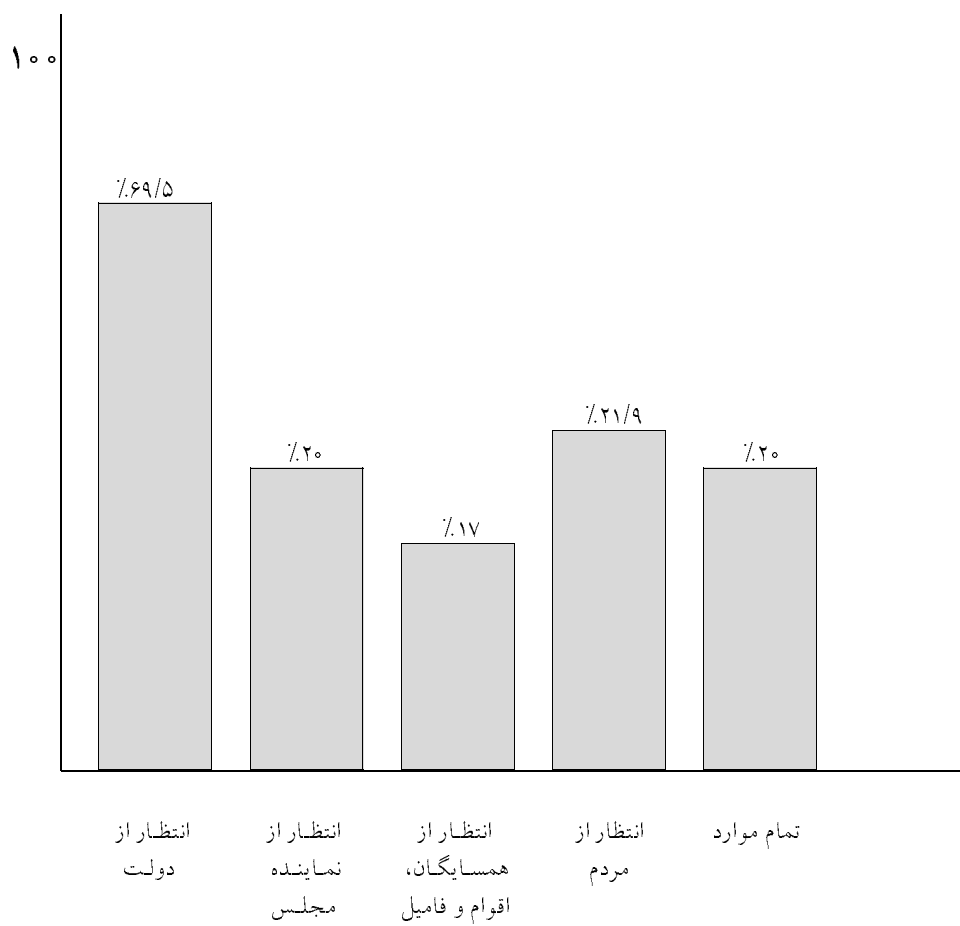
علل بازگشت مهاجرین عرب به سرزمین خوزستان پس از خاتمه جنگ



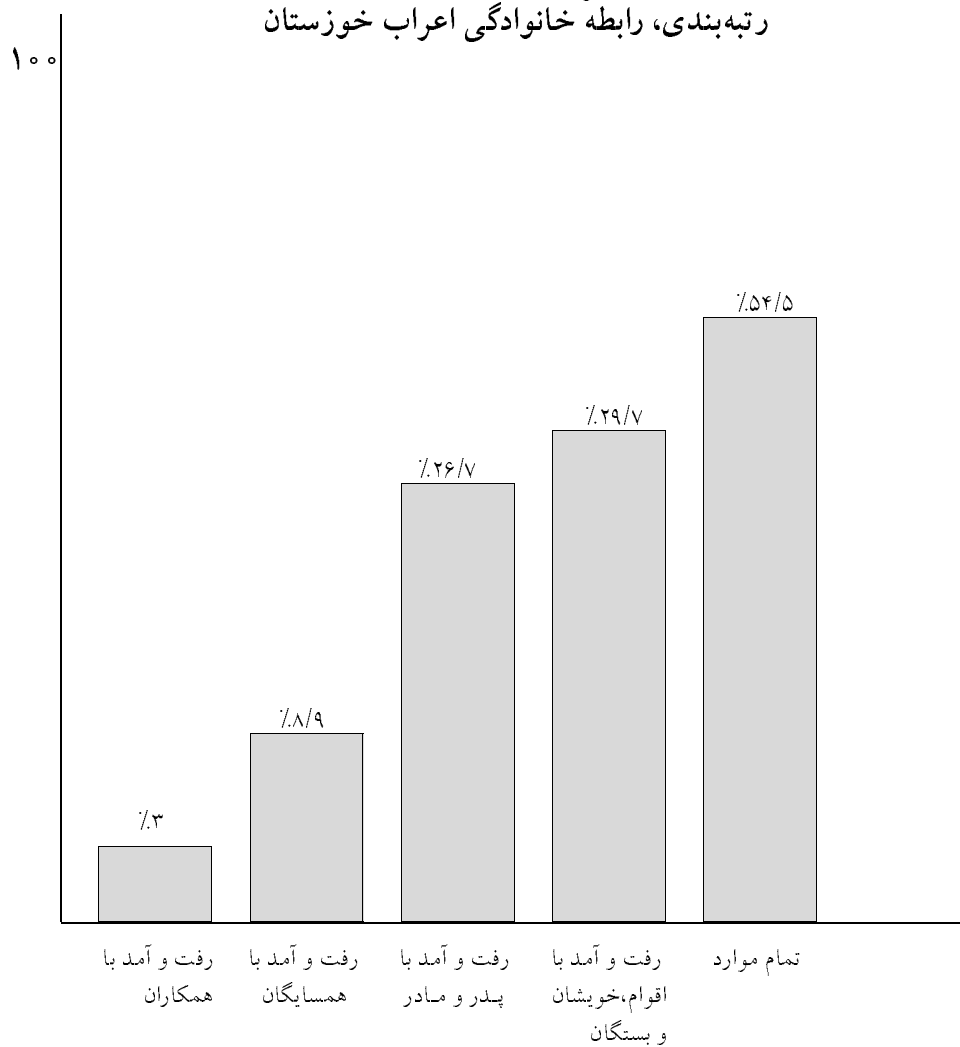
نمودار شماره (۳)
رتبه‌بندی اقدامات دولت در استان خوزستان از دیدگاه مردم عرب‌زبان



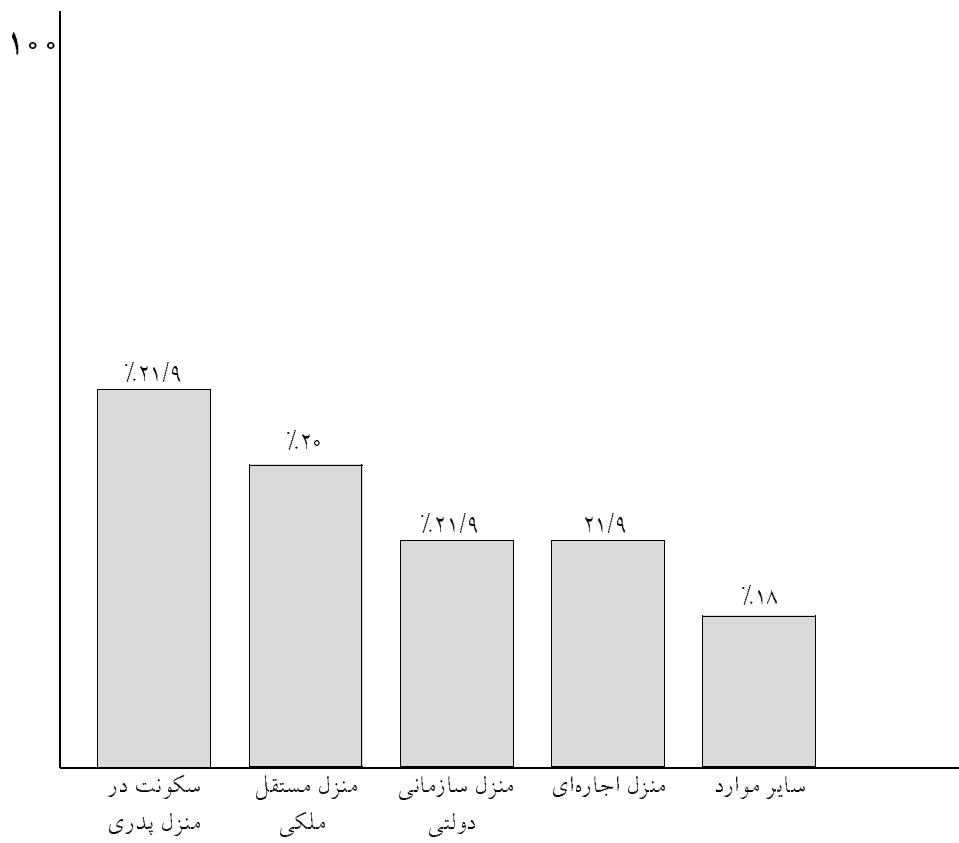
نمودار شماره (۴)
رتبه‌بندی انتظارات مردم در جهت رفع مشکلات از نگاه مردم عرب خوزستان



نمودار شماره (۵)
رتبه‌بندی، رابطه خانوادگی اعراب خوزستان

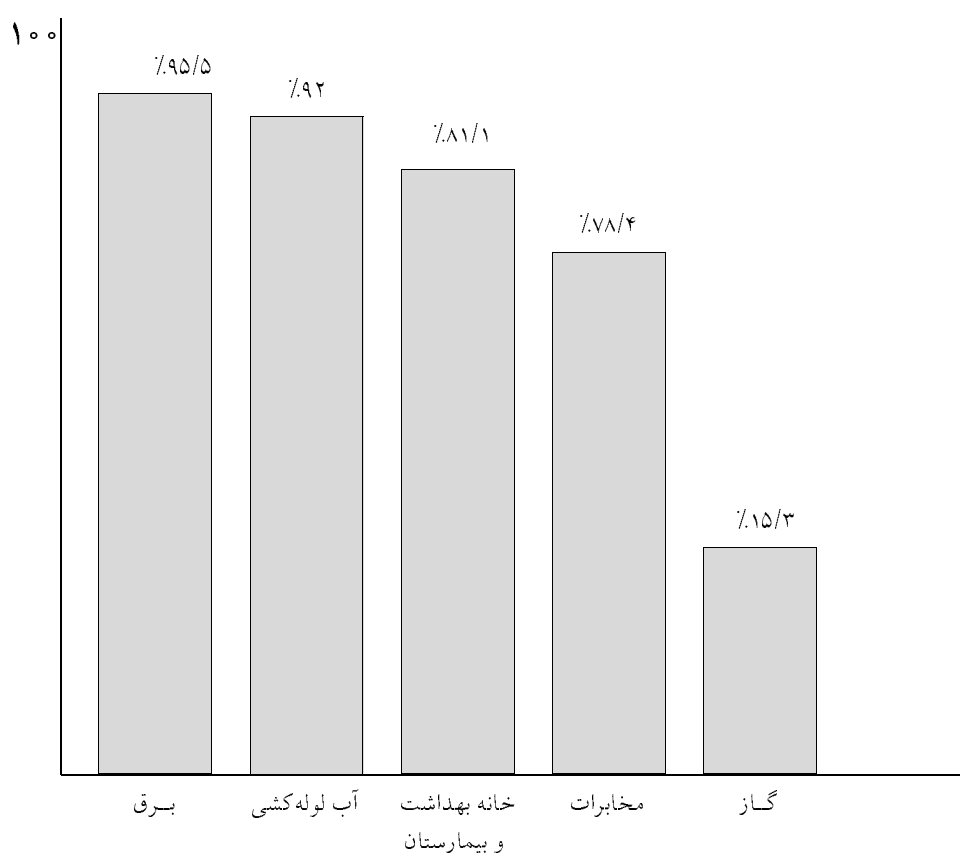


نمودار شماره (۶)
وضعیت مسکن اعراب خوزستان (مصاحبه‌شوندگان ۳۲ نفر مجرد و
۸۲ نفر متأهل بوده‌اند)



نمودار شماره (۷)

رتبه بندی امکانات اساسی موجود در نواحی عرب زبان استان خوزستان



جدول شماره (۱)
همبستگی بین عناصر مدل اصلی تحقیق (متغیرهای مؤثر و هویت ملی) و
نمایش سطح معناداری

| هویت عناصر ملی متغیرهای مؤثر | ملیت | دولت | سرزمین |
|---------------------------------|---------------------------------------|--------------|---------|
| آگاهی | مسافرت به داخل کشور | ۰/۰۰۷۶ | |
| | مسافرت به خارج کشور | ۰/۰۲۵ | |
| | سواد و تحصیلات | سواد بچه‌ها | ۰/۱۳+ |
| | | سواد خود فرد | ۰/۸۶+++ |
| سن | %۱۵ | | |
| وضعیت اقتصادی | وضعیت اشتغال | ۰/۴۰ +++ | |
| رضایت از محیط زندگی | رضایت از مردم محل | ۰/۱۳+ | |
| | رضایت از همسایه‌های دیوار به دیوار | ۰/۱۳+ | |
| رضایت از اوضاع فردی | رضایت از زندگی | ۰/۱۸ ++ | |
| | رضایت از خانواده | ۰/۱۲+ | |
| رضایت از همکاری دولت | ۰/۴۲ +++ | | |
| وضعیت امکانات | ۰/۲۱ ++ | | |

۱- ضریب همبستگی از نوع پیرسون است

۲- علائم سطح معناداری:

+++ = بسیار زیاد ($P \leq 0/001$)

++ = زیاد ($P \leq 1\%$)

+ = معنی‌دار ($P \leq 5\%$)

گویه‌ها (جدول ۲)

ارزیابی میانگین گرایش قومیت عرب نسبت به غیرعرب‌ها براساس هفت گویه گوتمن

| | |
|-------|---|
| درصد | حاضرند دخترشان را به یک جوان غیرعرب بدهند |
| ۶۱/۸ | |
| ۸۲/۱ | حاضرند یک جوان غیرعرب را به همسایگی بپذیرند |
| ۶۵/۵ | حاضرند یک جوان غیرعرب را به‌عنوان همکار بپذیرند |
| ۷۷/۷۷ | حاضرند در همسایگی وی با او رفت و آمد و معاشرت کنند |
| ۸۲/۸۸ | با نظر جاسم مخالفند که می‌گوید: اگر زورم می‌رسید تمام غیرعرب‌ها را از این منطقه بیرون می‌کردم |
| ۸۰/۴۵ | با نظرعادل مخالفند که می‌گوید: من اصلاً خوشم نمی‌آید که با غیرعرب‌ها هموطن باشم |
| ۹۰/۵ | با نظر ناصر موافقت می‌گوید: برای من عرب و عجم ندارد، ما همه ایرانی هستیم و در هر کجای این مملکت که میل مان باشد، می‌توانیم زندگی کنیم |
| ۷۷/۲ | میانگین موافقت |
| ۱/۵۴۴ | نمره ارزیابی |

جدول شماره (۳)

توزیع نسبی ارزیابی پاسخگویان از هفت گویه گوتمن براساس طیف سه قسمتی

در مورد یک فرد غیرعرب $N = 117$

| نمره ارزیابی | موافقت - مخالفت | شماره گویه‌ها | | | | | | | جمع سطرها | میانگین درصد موافقت |
|--------------------|-----------------|---------------|------|------|------|------|------|------|-----------|---------------------|
| | | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | | |
| ۲ | اکثراً | ۳۰/۷ | ۶۵/۲ | ۳۳/۶ | ۵۶/۵ | ۷۰/۳ | ۶۵/۵ | ۸۲/۹ | ۴۰۴/۷ | ۵۷/۸۱ |
| ۱ | عده‌ای | ۶۱/۴ | ۳۳/۹ | ۶۳/۷ | ۴۲/۶ | ۲۵/۲ | ۳۰ | ۱۵/۳ | ۲۷۲/۱ | ۳۸/۸۷ |
| ۰ | هیچ‌کس | ۷/۹ | ۰/۹ | ۲/۷ | ۰/۹ | ۴/۵ | ۴/۵ | ۱/۸ | ۲۲/۳ | ۳/۱۸ |
| جمع ستونها | | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | | ۱۰۰ |
| میانگین ارزیابی کل | | ۱/۲۲ | ۱/۶۴ | ۱/۳ | ۱/۵۵ | ۱/۶۵ | ۱/۵۹ | ۱/۸۱ | ۱۰/۷۶ | |

میانگین نمره از ۷ گویه $10/76 \div 7 = 1/53$ درصد کل موافقت $= 76/65\%$

(جدول ۴)

ارزیابی پاسخگویان از نحوه عملکرد دولت و مشکلات موجود همراه با گرایش آنها نسبت به عنصر سرزمین با احتساب شدت گرایش

| میانگین | عدم ترجیح زندگی در ایران | ۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ترجیح زندگی در ایران |
|---------|--|---|---|---|---|---|--|
| | | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | ۰ | |
| ۰/۹۱۸ | زندگی راحت است | | | | | | زندگی در ایران پرغم و غصه است |
| ۳/۶ | ما حاضر نیستیم در هنگام تجاوز از ایران دفاع کنیم | | | | | | ما حاضریم در مقابل متجاوز، از ایران دفاع کنیم |
| ۰/۶۲ | ایران وطن من و برای من مهم است | | | | | | بود و نبود ایران برای من فرقی نمی‌کند |
| ۳/۴۵ | برای من زندگی در ایران مهم نیست و جای دیگر هم فرقی نمی‌کند | | | | | | من زندگی در ایران را در بهترین جای دنیا ترجیح می‌دهم |
| ۰/۴۰۹ | من به ایرانی بودن خودم افتخار می‌کنم | | | | | | من از نام ایرانی متنفرم |
| ۰/۸۴۶ | من به نظام جمهوری اسلامی علاقمندم و افتخار می‌کنم | | | | | | این دولت و این نظام بود و نبودش برای من فرقی نمی‌کند |
| ۲/۹۹ | دولت ما یک دولت دیکتاتوری است و از ما جداست | | | | | | این دولت یک دولت مردمی و رابطه دولت با مردم خوب است |
| ۱/۵۰۹ | دولت نسبت به مشکلات مردم احساس مسئولیت می‌کند | | | | | | این دولت نسبت به مشکلات مردم بی‌اعتناست |
| ۳/۳۵۱ | این دولت با رژیم گذشته فرقی ندارد | | | | | | این دولت از رژیم گذشته بهتر است |
| ۳/۴۱۸ | ما حاضر نیستیم با این دولت همکاری کنیم | | | | | | ما در اجرای برنامه‌های دولت حاضریم همکاری کنیم |
| ۳/۲۳۶ | سران دولت آدم‌های مقام پرستی هستند و به فکر کشورشان نیستند | | | | | | سران دولت ما دلسوز هستند و به فکر مردمند |
| ۳/۴۶۲ | دولت ما یک دولت وابسته به دول دیگر است و این مایه تأسف است | | | | | | دولت ما یک دولت مستقل است و این مایه افتخار است |
| ۳/۳۵۲ | میانگین کل ارزیابی | | | | | | |
| ۸۳/۵ | درصد موافقت | | | | | | |

نمره ارزیابی :

۰ : کاملاً مخالف
 ۱ : مخالف
 ۲ : متوسط
 ۳ : موافق
 ۴ : کاملاً موافق

جدول شماره (۵)
همبستگی بین عناصر اصلی هویت ملی و نمایش سطح معناداری

| | سرزمین | دولت | ملیت |
|--------|--------|------------|----------|
| سرزمین | | ۳۴٪ +++ | ۳۰٪ |
| دولت | | | ۱۷٪ + |
| ملیت | | | |

یادداشت‌ها

- ۱ - رجوع شود به:
- مکنزی، یان و دیگران، مقدمه‌ای بر ایدئولوژیهای سیاسی، م.قائد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵، ص ۲۱۸.
- 2 - Coleman, James, " The Development Syndrome: Differentiation - Equality - Capacity", in Leonard Binder and others (eds) *Crises and Sequences in Political Development*, Princeton, Princeton University press 1947, pp.77,78.
- ۳ - مکنزی و دیگران، پیشین، ص ۲۲۰-۲۱۹.
- 4 - Oommen, T.K., *Citizenship, Nationality and Ethnicity*, Cambridge, Polity Press, 1997, p.36.
- 5 - *International Encyclopedia of the Social Sciences*, Edited by David Sills, 1969, p.67.
- ۶ - پالمر، مونتی و دیگران، نگرشی جدید به علم سیاست، منوچهر شجاعی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۱.
- ۷ - همان، ص ۱۵۱.
- ۸ - رفیع پور، فرامرزی، سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، ۱۳۷۲، صص ۵-۶.
- ۹ - گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۵.
- ۱۰ - رفیع پور، پیشین، صص ۱۲ و ۱۳ و ۱۴.
- ۱۱ - رجوع شود به جدول شماره ۱.

